

پیدایی شخصیت علمی حضرت زینب علیها السلام در واقعه‌ی عاشورا و رخدادهای پس از آن

دکترسید مرتضی عادل^۱

چکیده

حضرت زینب کبری سلام الله علیها از بانوان اثرگذار در تاریخ اسلام به شمار می‌رود که نقش مهمی در ثمربخشی قیام امام حسین علیه السلام داشته است. از آن جا که بیشترین توجه محققان معطوف به حضور حضرت در کربلا بوده و از برخی ابعاد دیگر مانند شخصیت علمی ایشان غفلت شده است، نوشتار پیش رو می‌کوشد تا با روشی توصیفی-تحلیلی ابعاد مختلف شخصیت علمی ایشان و ظهور آن‌ها در واقعه‌ی عاشورا و پس از آن را بررسی نماید. جایگاه علمی این بانوی بزرگ را می‌توان در اموری چون اندیشه‌ورزی، آگاهی به معارف قرآنی، روایت حدیث، تفقه در دین و نیابت خاصه از سوی معصوم، فصاحت و بلاغت، آگاهی روزآمد سیاسی و بهره‌گیری درست از فنون روان‌شناسی و مخاطب‌شناسی پی‌جویی کرد.

واژگان کلیدی:

زینب سلام الله علیها، مقام علمی، عاشورا، فصاحت و بلاغت،
بینش سیاسی، مخاطب‌شناسی

^۱. دانش‌آموخته‌ی دکتری جریان‌های کلامی معاصر، جامعه‌المصطفی (ص) العالمیة
mortazaadeli@yahoo.com

۱. مقدمه

آخرین فرستاده‌ی الهی و خاندان پاکش به عنوان مهم‌ترین افراد جامعه‌ی اسلامی، در طول دوره‌های متمادی همواره درکانون توجه مسلمانان قرار داشته و به مناسبت‌های مختلفی از آن‌ها سخن به میان آمده است. در این میان، یکی از شخصیت‌هایی که بسیاری از بزرگان و عالمان اسلامی اعم از شیعه و اهل سنت از سیره و تاریخ زندگی ایشان یاد کرده‌اند، حضرت زینب بن علی سلام الله علیهما هستند. بیشتر افراد یادشده، بخش اندک، اما پراهمیت زندگی این بانوی بزرگ اسلام را ورق زده‌اند که در واقع، همان دوره‌ی سفرایشان به همراه برادر بزرگوارشان یعنی حضرت امام حسین علیه السلام در حادثه‌ی جان سوز کربلا و رخدادهای پس از شهادت سیدالشهداء در کوفه و شام است. از این رو، درباره‌ی زندگانی و شخصیت حضرت زینب سلام الله علیها، بیشتر به جنبه‌های عاطفی و گزارش‌های تاریخی وقایع پیرامون قیام و نهضت حسینی پرداخته شده، و هرچند زندگانی ایشان با آن حوادث الفتی جدایی ناپذیر یافته، اما متأثر از این امر، دیگر زوایای زندگی ایشان مانند شخصیت علمی حضرت مورد غفلت واقع شده و یا کم‌تر و به گونه‌ای گذرا از آن سخن به میان آمده است. نوشتار پیش‌رو در پی آن است تا شخصیت علمی عقیده‌ی بنی هاشم سلام الله علیها و ظهور و بروز این علم در جریان عاشورا و رخدادهای پس از آن را گزارش و سپس مورد کنکاش و تحلیل قرار دهد، و از این نظر، می‌تواند نگاهی نو به شمار آید.

۲. علم زینبی از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام

حضرت زینب سلام الله علیها از بانوان بزرگواری است که مورد ستایش اهل بیت علیهم السلام بوده و از ایشان به عنوان بانویی خردمند، باکرامت، صبور و فداکار یاد شده است. در فرهنگ اسلامی القاب فراوانی به حضرت نسبت داده شده است که برخی از آن‌ها به سان «عالمه غیر معلمه»، «فهمه غیر مفهمه»، «عقیلة الطالبین»، «عقلیه القریش»، «عقیلة النبوة»، «عقیلة الوحی»، «عقیلة خدر الرسالة»، «سیده العقائل»، «عقیلة النساء»، «فاضلة»، «رضیعة ثدی الولاية»، «رضیعة الوحی»، «موثقة»، «المعصومة

الصغری»، «ولیده الفصاحة»، «فصیحة» و «بلیغة» (رک به: الجزائری، ۱۴۲۵ق: ۵۲-۵۳)، نمایان گرابعد گوناگون علمی ایشان هستند. شماری از این موارد از سوی معصومین علیهم السلام و برخی دیگر، از سوی بزرگان، محققان و نویسندگان اسلامی برایشان اطلاق شده است.

بی تردید، بهترین سخنی که می توان درباره ی مقام علمی زینب کبری سلام الله علیها از دیدگاه اهل بیت علیهم السلام از آن یاد کرد، فرموده ی حضرت امام سجاد علیه السلام درباره ی ایشان در کوفه است که ایشان را دانای بی آموزگار و فهمیده ی بی تفهیم گر خطاب می کند:

أَنْتِ بِحَمْدِ اللَّهِ عَالِمَةٌ غَيْرُ مُعَلَّمَةٍ وَفَهْمَةٌ غَيْرُ مُفَهَّمَةٍ (طبرسی، ۱۴۰۳ق، ج ۲: ۳۰۵؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۵: ۱۶؛ مقرر، ۱۴۲۶ق: ۳۲۸-۳۲۹).

این فرموده از ناحیه ی کسی صادر شده است که خود دارای مقام عصمت بوده و هرگز داشتن علم خدادادی را به گزاف و یا برای خشنودی عمه ی گرامی اش به زبان نمی آورد. بنابراین، این فرموده ی امام، پرده از علمی الهی و متفاوت با سنخ علم عادی برمی دارد که از ناحیه ی پروردگار به حضرت زینب سلام الله علیها ارزانی داشته شده است. خداوند متعال هرگز چنین عطایی را نسبت به هرکسی روا نداشته و تنها افرادی را شامل این عنایت می فرماید که زمینه ی این لطف را در خود به وجود آورده باشند. طبیعی است زینب سلام الله علیها که در امان پدر و مادری بلندمرتبه و نیز در خانه ی وحی رشد یافته بود، توانست چنین ظرفیتی را در خود ایجاد نماید تا مشمول رحمت ویژه ی الهی گردد. از نمونه های بارز وجود چنین ظرفیتی در ایشان، جریانی درباره ی سنین کودکی حضرت است که به پدرشان، امام علی علیه السلام می فرماید که آیا او را دوست دارد؟ امام علیه السلام در پاسخ، فرزندان را جگرگوشه های خود دانستند. پس از این جواب، زینب کبری سلام الله علیها فرمود: دو محبت در سینه ی مؤمن جمع نمی شود؛ اما به هنگام ناچاری باید نسبت به فرزندان مهربان بود و محبت را تنها نسبت خداوند متعال اظهار کرد (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۱: ۱۷۹).

سخن دیگری که در باب حضرت زینب کبری سلام الله علیها گفته شده و از مقام و شخصیت علمی والای او حکایت دارد، فرموده‌ی امام حسن مجتبی علیه السلام است که خطاب به خواهر خویش در سخنی می‌فرماید که شما به حق از درخت نبوت و معدن رسالت هستی (القزوینی، ۱۴۲۰ق: ۵۸۱؛ سراج، [بی تا]: ۳۲).^۱

هم چنین زینب کبری سلام الله علیها از همان شجره‌ی طیبه‌ای بوده که در قرآن کریم از آن یاد شده (ابراهیم/۲۴-۲۵) و در کانون رسالت و علم الهی پرورش یافته است. در روایتی از پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله وسلم نقل شده است که همواره می‌فرمودند:

نحن أهل بیت طهرهم الله، من شجرة النبوة و موضع الرسالة و مختلف الملائكة و بیت الرحمة و معدن العلم (ابن ابی حاتم، ۱۴۱۹ق، ج ۹: ۳۱۳۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ۱۹۹).

نوه‌ی گرمی ایشان، حضرت زینب سلام الله علیها نیز در میان اهل بیتی بالیده است که خداوند متعال آن‌ها را پاک گردانیده و معدن علوم قرار داده و دخت گرمی بتول سلام الله علیهما نیز از این برکه‌ی معرفت سیراب شده است. با این توصیف، در ادامه، به برخی از ابعاد شخصیت علمی رضیعی‌ی وحی و پیدایی آن در حوادث پیرامون نهضت حسینی علیه السلام، به تفکیک اشاره خواهد شد.

۳. ابعاد گوناگون علمی زینب کبری سلام الله علیها

اندیشه‌ورزی

تعقل و اندیشه‌ورزی از مهم‌ترین ویژگی‌های علمی بانوی کربلاست که بیشتر در لقب «عقیله» تبلور یافته است. «عقیله» در لغت به معنای گرمی‌ترین، بزرگوارترین و شایسته‌ترین چیز، فرد یا بانوست (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۱: ۱۶۰؛ ازهری، ۱۴۲۱ق، ج ۱: ۱۶۱؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۱۷۲؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۴: ۷۲)؛ هم چنین این لقب برای بانوان خردمند و عاقل و دارای جایگاهی بلند استفاده می‌شود (بیضون، ۱۴۲۷ق، ج ۲: ۶۵۴). عقیله، عنوانی است که هاشمیان در یادکرد از حضرت زینب سلام الله علیها از آن

۱. نگارنده این حدیث را با این عبارت خاص در منابع متقدم نیافت.

استفاده می نمودند؛ چنان که ابن عباس هنگامی که می خواست از ایشان حدیثی نقل کند، حضرت را «عقیله‌ی ما» خطاب می کردند (الاصفهانی، [بی تا]: ۹۵).

اندیشمندان متعددی از اهل سنت در تأکید بر جنبه‌ی شاخص علمی عقیله‌ی بنی هاشم، ایشان را بانویی عاقل، خردمند، دارای اندیشه و دلیر معرفی کرده اند (برای نمونه رک به: ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۱۳۳؛ ابن حجر، ۱۴۱۵ق، ج ۸: ۱۶۶؛ الزرقانی، ۱۴۱۱ق، ج ۳: ۱۲۸) و به شماری از رفتارهای مهم زینبی اشاره نموده، آن‌ها را دلیل روشنی بر علم او دانسته اند (ابن اثیر، ۱۴۰۹ق، ج ۶: ۱۳۳؛ ابن حجر، ج ۸: ۱۶۷). برای نمونه، به سخنان زینب کبری سلام الله علیها در مجلس یزید اشاره کرده اند که ایشان در پاسخ به مردی شامی که از یزید می خواست دختر امام علیه السلام را به کنیزی بگیرد، فرمودند: خطا کردی و پستی نشان دادی؛ زیرا این نه حق توست و نه حق یزید. حضرت به یزید فرمود: این حق برای تو نیست، مگر این که از دین ما که اسلام است، خارج شده باشی (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۲: ۱۲۱). نکته اینجاست که در جنگ میان دو گروه مسلمان، زنان طرف مقابل به کنیزی گرفته نشده و چنین حقی برای دو طرف که مسلمان زاده هستند وجود ندارد؛ اما یزید و آن مرد شامی به آن آگاه نبوده یا انگیزه‌ای نامشروع داشته اند که این اتفاق در هر صورت، با شجاعت، درایت و علم عقیله‌ی هاشمیان منجر به شرمندگی یزید در برابر دیگران گردید.

علم به معارف قرآنی و تفسیر آن

توانایی علمی و تسلط بر معارف قرآنی و تفسیر کلام الهی، از نکات برجسته‌ای است که می توان به عنوان یکی از ابعاد علمی صدیقه‌ی صغری سلام الله علیها از آن یاد کرد. در این باره گزارش شده است:

در روزگار حضور امیر مؤمنان علیه السلام در کوفه، زینب سلام الله علیها در مجلسی زنانه در خانه‌ی خود، قرآن را تفسیر نموده و معنای آن را برای ایشان بیان می کرد. روزی در حال تفسیر آیه‌ی «کهیعص» بود که ناگاه امام علی علیه السلام به خانه‌ی او آمده و فرمود: ای نور چشمانم، شنیدم که برای زن‌ها (کهیعص) را تفسیر می کنی؟ زینب سلام الله علیها گفت: آری، دخترت به قربانت. حضرت

امیر علیه السلام فرمود: روشنی دیدگانم! این رمز و نشانه‌ای است برای مصیبت و اندوهی که به شما عترت و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه وآله روی می‌آورد. سپس برخی از مصائب و اندوه‌هایی که به زودی بر آن‌ها وارد می‌شد را یادآوری نمود. پس آن‌گاه زینب صلوات الله علیها با صدای بلند گریه کرد (الجزائری، ۱۴۲۵ق: ۶۸-۶۹؛ النقدي، ۱۳۶۲ش: ۳۶).

از این گزارش روشن می‌شود که حضرت زینب سلام الله علیها در شهر کوفه مجلس تفسیر و تبیین معارف قرآنی برای بانوان داشته است. بدیهی است که مقدمه‌ی برگزاری چنین مجلسی، توانایی و تسلط علمی بر معانی آیات و معارف آن بوده است، وگرنه برگزاری این‌گونه جلسات معنایی نداشت.

نکته‌ی دیگری که درباره‌ی علم قرآنی حضرت باید بدان اشاره نمود، بهره‌گیری و استنادات متعدد به آیات الهی در خطبه‌های ایشان در کوفه (۴ آیه) و شام (۶ آیه) است؛ استفاده‌هایی که به جا و به مناسبت، کلام فصیح و بلیغ زینب سلام الله علیها را زینت بخشیده و به زیبایی و مهارت چشم‌گیری با سخنان او آمیخته شده است. برای نمونه، ایشان در ابتدای خطبه‌ی روشن‌گر خود در کوفه، خطاب به آنها می‌فرماید:

يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ، يَا أَهْلَ الْحَتْلِ وَالْحَذَلِ، فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةَ، وَلَا هَدَاةِ الرَّتَّةِ، فَمَا مَثَلُكُمْ إِلَّا «كَالْتِي نَقَصَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَنَكُمْ دَخَلَا بَيْنَكُمْ (نحل/۹۲).^۱
(ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۱۲۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق (ب): ۳۲۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۹۲؛ خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۶؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ص ۱۴۶)

و یا در قسمتی دیگر از همین خطبه در چند فراز پایانی، از سه فراز قرآنی بهره برده و اظهار می‌دارند:

وَيْلَكُمْ، أَتَدْرُونَ أَيَّ كَيْدٍ لِمُحَمَّدٍ فَرَيْتُمْ؟ وَأَيَّ دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ؟ وَأَيَّ كَرِيمَةٍ لَهُ أَصَبْتُمْ؟ «لَقَدْ

۱. ای کوفیان و ای دغل‌کاران بی وفا! اشکتان، هرگز خشک مباد! و ناله‌تان هیچ‌گاه فروخته مباد! مثل شما، «مثل زنی است که رشته تابیده [به دست خویش] را پس از محکم کردن، از هم می‌گسست. سوگندهایتان را دستاویز فریب یکدیگر قرار می‌دهید». ترجمه‌ی خطبه برگرفته از: (محمدی ری شهری، ۱۳۸۸ش، ج ۸: ۱۱۹).

جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا»
 (مریم/۸۹-۹۰)، وَلَقَدْ أَتَيْتُمْ بِهَا خَرَقَاءَ شَوْهَاءَ، طِيلَاعَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ. أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ
 قَطَرَتْ السَّمَاءُ دَمًا! «وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَى» (فصلت/۱۶)، فَلَا يَسْتَحْفَتُّكُمْ الْمَهْلُ،
 فَإِنَّهُ لَا يَحْفَرُهُ الْبِدَارُ، وَلَا يَخَافُ عَلَيْهِ قَوْثُ الثَّأْرِ، كَلَّا «إِنَّ رَبَّكَ لِبَالِغٌ صَادٍ» (فجر/۱۴).^۱
 (همان)

چنین تسلطی بر آیات قرآن و استفاده‌ی متعدد و به جای آن در فرازهای مختلفی از دو
 خطبه‌ی کوفه و شام، حکایت از تسلط این بانوی بزرگ بر کلام الهی و پیوستگی به منبع
 اصیل وحی و آشنایی با آن دارد.^۲

روایت حدیث

از دیگر زوایای نشان‌دهنده‌ی علم حضرت زینب سلام‌الله‌علیها، مقام روایت احادیث
 است. روایات مهمی به واسطه‌ی ایشان نقل شده که شاید بتوان مهم‌ترین آن‌ها را خطبه‌ی
 فدکیه‌ی حضرت فاطمه سلام‌الله‌علیها دانست. این خطبه که گویای مسائل خطیری در
 صدر اسلام و دوره‌ی پس از رحلت پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است، در سنین کودکی
 عقیده‌ی وحی ایراد گردیده، و نیز برخی رخدادها‌ی پس از آن مانند جریان شکوه و گلایه‌ی
 صدیقیه‌ی طاهره سلام‌الله‌علیها پس از عدم اجابت درخواستشان از سوی خلیفه‌ی اول و
 ندبه‌ای که به صورت اشعاری خطاب به پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله انجام گرفت، از عقیده‌ی
 بنی‌هاشم نقل شده است (برای نمونه بنگرید به: ابن طیفور، [بی‌تا]: ۲۶-۳۱؛ صدوق،
 ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۵۶۷-۵۶۸؛ مفید، ۱۴۱۳ق: ۴۰؛ طبری، ۱۴۱۳ق: ۳۰-۳۹؛ مجلسی،

۱. وای بر شما! آیا می‌دانید چه جگری از محمد صلی‌الله‌علیه‌وآله دریدید؟! و چه خونی از او ریختید؟! و چه
 دردانه‌ای را از او گرفتید؟! «بی‌گمان، کاری ناروا کردید. نزدیک است که آسمان‌ها از آن بشکافند و زمین،
 دهان باز کند و کوه‌ها فروریزند!». به سان احمقان زشت‌کار، بر سرِ دردانه‌ی او ریختید و زمین و آسمان را از
 سیاهی لشکر، پر کردید. آیا از خونِ بارش آسمان، به شگفت می‌آیید؟! «عذاب آخرت که رسواکننده‌تر
 است». مهلت خدا، سبک‌سرتان نکند، که خدا عجله‌ای ندارد و از دست دادن فرصت انتقام، نگرانش
 نمی‌کند. هرگز، «به درستی که پروردگارت در کمین است». ترجمه‌ی خطبه برگرفته از: (همان).
 ۲. برای تفصیل و توضیح نمودهای قرآنی کلام حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در خطبه‌های ایرادشده در کوفه و
 شام بنگرید به: (طباطبایی، ۱۳۹۰ش: ۲۳۰-۲۳۰).

۱۴۰۴ق، ج ۲۹: ۱۰۷).^۱

روایات دیگری هم وجود دارند که جناب زینب کبری سلام الله علیها در برخی از آن‌ها در نقش راوی (روایت‌گر) و در شماری دیگر به عنوان مروی (روایت‌شده از او) مطرح شده است.^۲ افرادی چون امام سجاد علیه السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش: ۲۶۵-۲۶۶؛ خزاز قمی، ۱۴۰۱ق: ۱۹۴)،^۳ فاطمه بنت الحسین علیهما السلام (مفید، ۱۴۱۳ق (الف)، ج ۲: ۱۲۱)، ابن عباس (الأصفهانی، [بی تا]: ۹۵)، جابر بن عبدالله انصاری (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۵۶۷) و محمد بن عمرو (مفید، ۱۴۱۳ق (ب): ۴۰) در زمره‌ی راویان اخبار از عقیده‌ی قریش هستند. هم‌چنین خود حضرت از پدرشان امیرمؤمنان علیه السلام (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش: ۲۶۶)، مادرشان صدیقه‌ی طاهره سلام الله علیها (طبری، ۱۴۱۳ق: ۶۸؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق: ۲۰۴) و ام ایمن (ابن قولویه، ۱۳۵۶ش: ۲۶۶)^۴ نقل حدیث کرده‌اند. با نگاهی به متون عاشورایی، مقام راوی بودن حضرت زینب سلام الله علیها در حوادث عاشورا نیز آشکار می‌گردد. برای نمونه، ایشان پس از دیدن آثار شدید ناراحتی و غم در

۱. در نسخه‌ی ابن طیفور (۲۸۰ق) نام راوی خطبه، زینب بنت الحسین است که به دلیل نبود چنین دختری برای امام حسین علیه السلام و گونه‌ی روایت خطبه به صورت دانای کل و شخص حاضر در زمان ایراد خطبه، و نیز روایت آن از طرق دیگر با همین کیفیت، راوی همان زینب کبری سلام الله علیها بوده و وی در ظاهر، نام راوی را اشتباه ثبت کرده است. شیخ صدوق (۳۸۱ق) نیز خطبه را به صورت کامل گزارش نکرده و تنها بخشی از آن را به مناسبتی نقل نموده است.

۲. شیخ صدوق نام «زینب بنت امیرالمؤمنین علیهما السلام» را در مشیخه‌ی خود ذکر نموده است (صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۴: ۵۳۱).

۳. روایت خزاز قمی (متوفای بعد از ۴۰۰ق) از امام چهارم شیعیان، حدیثی درباره‌ی ولادت پدر بزرگوارشان و امامت‌نهی امام از نسل ایشان از جناب زینب کبری سلام الله علیها از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمودند: «خذیه یا فاطمة، فإِنَّه الإمام وأبوالأئمة تسعة من صلبه أئمة أبرار، والتاسع قائمهم».

۴. ابن قولویه (۳۶۷ق) به سند خود از امام علی بن الحسین علیهما السلام از حضرت زینب سلام الله علیها روایت می‌کند که فرمود: «هنگامی که ابن ملجم لعنه الله بر پدرم ضربت وارد کرد و آثار مرگ را در ایشان دیدم، گفتم: ای پدر، ام ایمن به من چنین و چنان خبر داد و من دوست دارم تا آن را از زبان شما بشنوم. پدرم فرمود: دخترم، مطلب همان‌طور است که ام ایمن برای تو گفته است. گویا تو و زنان خاندانت را می‌بینم که در این سرزمین اسیر و خوار شده‌اید، هر لحظه هراس دارید که مردم شما را بر بایند، در اینجا صبر و شکیبایی داشته باشید. قسم به کسی که حبه را شکافت و انسان را آفرید، بر روی زمین هیچ کس غیر از شما و دوستان و پیروان شما ولی خدا نیست».

چهره‌ی امام سجاد علیه السلام در روز شهادت پدر بزرگوار و یاران با وفایش، حدیث ام ایمن را برای امام روایت کرد و نکاتی را از آینده و عهد میان رسول خدا صلی الله علیه و آله با جد، پدر و عمویش علیهم السلام بیان داشت تا موجب آرامش خاطر و دلگرمی فرزند برادرش شود (ابن قولویه، ۲۶۰-۲۶۲).

۴. تفقه در دین و نیابت خاصه از سوی امام معصوم

مطلب دیگری که باید درباره‌ی بانوی خردمند بنی هاشم به آن اشاره کرد، تفقه ایشان در دین اسلام و معارف الهی است. دکتر عائشه عبدالرحمن بنت الشاطی (۱۹۹۸م)، اندیشمند زن مصری و یکی از نویسندگان زندگانی حضرت درنگاشته‌ی خود با یادکرد از تفسیر قرآن توسط ایشان می‌نویسد:

بنا بر آن چه بعضی از روایات می‌گویند، زینب علیها السلام مجلس علمی مهمی داشته که گروهی زنان دانش‌پژوه و بانوانی که می‌خواستند در دین خدا تفقه پیدا کنند، در آن مجلس شرکت می‌کردند. و هم‌چنین برای زینب فراهم آمد آن چه برای هیچ زن دیگری از زنان طایفه‌ی او فراهم نیامد (بنت الشاطی، ۱۴۰۶ق: ۵۳).

امیرالمؤمنین علی علیه السلام سه مورد از کمال یک مسلمان را تفقه در دین، صبر بر بلا و مصیبت‌ها و معاش و زندگی همراه با محاسبه و احتیاط معرفی می‌کند (صدوق، ۱۳۶۲ش، ج: ۱، ۱۲۴)؛ حضرت باقر علیه السلام نیز همین موارد را از نشانه‌های مؤمن شمرده است (طوسی، ۱۴۰۷ق، ج: ۷، ۲۳۶)؛ هم‌چنین امام صادق علیه السلام می‌فرماید که اگر خداوند خیر بنده‌ای را بخواهد، او را دانشمند (فقیه) در دین می‌گرداند (کلینی، ۱۳۶۲ش، ج: ۱، ۳۲). سیری در زندگانی جناب زینب سلام الله علیها نشان می‌دهد که ایشان دارای تمام این ویژگی‌ها بوده است. وی علاوه بر صبر در مصیبت‌ها و داشتن یک زندگی مدیرانه، تا جایی دانای در امر دین بود که حضرت امام حسین علیه السلام برای مدت کوتاهی پس از عاشورای سال ۶۱ هجری، ودیعه‌ی امامت را به او سپرد تا به امام زین العابدین علیه السلام برساند (المسعودی، ۱۴۲۶ق: ۲۷۲). شیخ صدوق (۳۸۱ق) و

شیخ طوسی (۴۶۰ق) در این باره از احمد بن ابراهیم گزارش کرده‌اند که وی اظهار داشته است:

در سال ۲۶۲ هجری بر حکیمه [خاتون]، دختر امام جواد علیه السلام وارد شدم. از پشت پرده با او سخن گفتم و از دینش پرسیدم. او همه‌ی کسانی را که امام خود می‌دانست، نام برد و حتی نام [کوچک] حجت بن الحسن را نیز بر زبان آورد. به او گفتم: خدا، مرا فدای شما کند، آیا او را دیده‌ای یا خبر داری؟؛ گفتم: این را از نامه‌ای (وصیتی) که ابو محمد (امام حسن عسکری علیه السلام) به مادر خود نوشته، می‌دانم. به او گفتم: آن کودک، کجاست؟؛ گفتم: پنهان است. گفتم: شیعه به چه کسی پناه ببرد؟؛ گفتم: به مادر بزرگش، مادر ابو محمد. به او گفتم: به کسی اقتدا کنم که وصیتش به زنی است؟؛ گفتم: به حسین بن علی علیه السلام اقتدا کن که در ظاهر، به خواهرش زینب دختر علی علیه السلام وصیت کرد و هر دانشی از سوی علی بن الحسین علیه السلام بیرون می‌آمد، به زینب منسوب می‌شد؛ اما این برای پنهان داشتن علی بن الحسین علیه السلام بود (صدوق، ۱۳۹۵ق، ج ۲: ۵۰۷؛ طوسی، ۱۴۱۱ق: ۲۳۰).

بی‌گمان، اگر زینب سلام‌الله‌علیها زمینه‌ی ادای چنین وظیفه‌ای را از گذشته در خود ایجاد نکرده بود، دیگران انتظار شنیدن چنین سخنانی از ایشان را نداشتند و در نتیجه، هیچ‌گاه مقصود امام حسین علیه السلام از وصیت به خواهرش و پنهان داشتن فرزندش، امام سجاد علیه السلام محقق نمی‌گردید و درست آن بود که سید الشهداء علیه السلام این بار سنگین را بردوش خواهر بزرگوارش قرار ندهد. این‌ها همه، بیان گر مقام والای علمی حضرت زینب کبری سلام‌الله‌علیها و جایگاه بلند تفقه و خردمندی ایشان در امر دین بوده و عمل معصوم یعنی امام حسین علیه السلام در این جا، درستی این ویژگی‌ها درباره‌ی خواهرشان را روشن‌تر ساخته است.

۵. احتجاج معصوم به عمل زینب سلام‌الله‌علیها

یکی از مسائلی که در بحث‌های اصولی شیعه از آن سخن به میان می‌آید، مسأله‌ی ارجاع به سنت یعنی قول، فعل و تقریر معصوم است که می‌توان در مسائل مختلف فقهی

و اعتقادی به آن‌ها استناد ورزید و مطابق با آن عمل نمود (برای نمونه بنگرید به: مظفر، ۱۳۷۵ ش، ج ۲: ۶۱). اگرچه برخی افعال و اقوال حضرت زینب سلام الله علیها را حجت دانسته‌اند (حسینی، ۱۴۲۸ ق، ج ۲: ۵۹)، اما بسیاری از فقیهان بر این باورند که سنت، ویژه‌ی شخص معصوم بوده و نسبت به غیر او منشأ حکمی فقهی یا اعتقادی نخواهد بود؛ اما در حدیثی از امام صادق علیه السلام، ایشان در مسأله‌ی حکم گریبان دریدن در مصیبت پدر، مادر، برادر و یا دیگر نزدیکان، برای جواز در برخی موارد مانند مصیبت برادر، به فعل فاطمیات که در رأس آن‌ها حضرت زینب کبری سلام الله علیها قرار داشت، استناد می‌جوید. در قسمتی از این خبر از جانب امام آمده است:

خراشیدن صورت کفاره‌ای جز استغفار و توبه ندارد؛ فاطمیات بر [مصیبت] حسین بن علی [علیهما السلام] گریبان دریده و صورت خراشیدند و بر امثال کسانی چون حسین [علیه السلام] است که صورت‌ها خراشیده و گریبان‌ها دریده می‌شود (طوسی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸: ۳۲۵؛ عاملی، ۱۴۰۹ ق، ج ۲۲: ۴۰۲).

مرحوم صاحب جواهر (۱۲۶۶ ق) پس از نقل این خبر، حضور دختران و خواهران امام حسین علیه السلام در میان فاطمیات را امری واضح و آشکار می‌شمرد (نجفی، [بی تا]، ج ۴: ۳۷۰). طبری و ابن اثیر نیز در شرح ماجرای قیام حسینی علیه السلام در شب عاشورا و گفتگوی میان سید شهیدان و خواهرشان گزارش کرده‌اند که حضرت زینب سلام الله علیها هنگامی که برادرش را تحت فشار فراوان دید، به صورت زده، گریبان چاک کرد و بیهوش شده، به زمین افتاد (طبری، ۱۳۸۷ ق، ج ۵: ۴۲۰؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵ ق، ج ۴: ۵۹). این گزارش تاریخی، شمول حضرت در میان بانوان فاطمی را تأیید می‌نماید. روشن است که استناد یاد شده از امام صادق علیه السلام به گونه‌ای عام، حکایت گرجایگاه والای عقیله‌ی بنی هاشم است، وگرنه هیچ‌گاه چنین استنادی از جانب معصوم علیه السلام صورت نمی‌پذیرفت.

۶. فصاحت و بلاغت

بُعدی دیگر از شخصیت علمی بانوی دانای بی‌آموزگار، فصاحت (گویایی) و بلاغت

(رسایی) ایشان در سخن است که اندیشمندان بسیاری به آن اذعان داشته و بی نظیرش دانسته‌اند (برای نمونه بنگرید به: امین، ۱۴۰۶ق، ج ۷: ۱۳۷؛ قاسم، ۱۹۳۴م: ۳؛ مطهری، ۱۳۷۵ش: ۵۹). بیشترین افراد با عنایت به خطبه‌های حضرت زینب سلام‌الله‌علیها پس از واقعه‌ی بزرگ عاشورا در دوره‌ی اسارت در کوفه و شام، زبان به تمجید و تحسین ایشان گشوده‌اند. نمونه‌ای از این افراد، خذلم بن ستیراست که به هنگام ایراد خطبه در کوفه، چنان محو فصاحت و بلاغت گفتار زینبی گردید که اظهار داشت: گویا زینب سلام‌الله‌علیها از زبان علی علیه‌السلام سخن می‌گوید (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۱۲۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق (ب): ۳۲۱-۳۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۹۲-۹۳؛ ابن حمدون، ۱۴۱۷ق، ج ۶: ۲۶۴).

«فصاحت» به معنای بیان و سخن گفتن شیوا با استفاده از واژه‌های مانوس و در عین حال، وزین و بدون پیچیدگی‌های لفظی و معنوی است (بنگرید به: ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج ۳: ۱۶۴؛ ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج ۳: ۴۵۰؛ المراغی، ۱۴۱۴ق: ۱۵-۳۵). معنای «بلاغت» نیز رسا بودن کلام به مقتضای حال گوینده و شنونده است که گوینده به بهترین شکل از لحاظ زبان و لغت، و مطابق با حقیقت، مقصود خود را به مخاطب انتقال می‌دهد (بنگرید به: راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ج ۱: ۱۴۵؛ المراغی، ۱۴۱۴ق: ۳۵-۳۶). ادیبان، علم بلاغت را در سه شاخه‌ی معانی، بیان و بدیع پی‌جویی کرده و آرایه‌های ادبی مختلفی را در خلال آن‌ها مطرح می‌سازند؛ اما از آنجایی که در این مقال، مجال برای بررسی همه‌ی این موارد در سخنان دختر امیر بیان علیهما‌السلام وجود ندارد، تنها به بیان برخی از آن‌ها به مقتضای نوشتار پیش‌رو بسنده می‌شود.

زینب کبری سلام‌الله‌علیها در فرازهای متعددی از خطبه‌های کوفه و شام، از علم معانی بهره برده است. برای نمونه، در چند مورد به سان «وَهَلْ رَأَيْكَ إِلَّا فَتَدُّ، وَأَيُّمُكَ إِلَّا عَدَدُّ، وَجَمْعُكَ إِلَّا بَدَدُّ؟»^۱ (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۸۶؛ ابن نما، ۱۴۰۶ق: ۱۰۲) و «أَفَعَجِبْتُمْ أَنْ قَطَرَتِ السَّمَاءُ دَمًا؟»^۲ (مفید، ۱۴۱۳ق (ب): ۳۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۹۳)،

۱. آیا اندیشه‌ات جز دروغ و سستی، و روزگارت جز روزهایی شمردنی و جمعت جز پریشانی است؟

۲. آیا از خون بارش آسمان، به شگفت می‌آیید؟!.

آرایه‌ی «استفهام» را به کارگرفته است. «نداء» عنصر دیگری است که ایشان در ابتدای خطبه‌ی کوفه با عبارت «یا أَهْلَ الْكُوفَةِ، ویا أَهْلَ الْخَنْدَلِ وَالْحَذَلِ» (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۶؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۴۶) از آن بهره برده است. «ایجاز» به کاررفته در جملاتی چون «فَتَعَسَا وَنُكْسَا»^۱ (همان) و «فَمَهْلًا مَهْلًا»^۲ (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۸۶؛ ابن نما، ۱۴۰۶ق: ۱۰۱) نیز بر بلاغت سخن وی افزوده است. نکته‌ی بلاغی دیگر در علم معانی، استفاده از یک عامل و عطف چند معمول به یکدیگر است که در عبارت «و یتَصَفَّحُ وُجُوهُنَّ الْقَرِيبُ وَالْبَعِيدُ، وَالذَّنِي وَالشَّرِيفُ»^۳ (همان) ظهور یافته است. هم چنین «تجاهل العارف» (خود را ناآگاه نشان دادن) یعنی اظهار تردید گوینده از امری یقینی، برای تأکید سخن خویش و افزودن به توجه مخاطب (المراغی، ۱۴۱۴ق: ۱۴۰) در فرموده‌ی شجاعانه‌ی زینبی «أَمِنَ الْعَدْلِ، يابنَ الطُّلَقَاءِ، تَخْدِيرُكَ إِمَاءَكَ وَنِسَاءَكَ وَسَوْقَكَ بِنَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سَبَايَا؟»^۴ (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۸۱؛ مجلسی، ۱۴۰۴ق: ج ۴۵: ۱۶) به چشم می‌خورد.

بانوی کربلا در علم بیان نیز از آرایه‌هایی چون «تشبیه» و «کنایه» استفاده کرده است. ایشان کوفیان را با یاری از قرآن، به آن زنی تشبیه می‌کند که با دست خود رشته می‌تایید و پس از محکم کردنش، آن را از هم باز می‌کند: «فَمَا مَثَلُكُمْ إِلَّا كَالَّتِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ» (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۶؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۴۶). در واقع، حضرت به کوفیان اعلام می‌دارد که شما پس از این که به امام حسین علیه السلام نامه نوشته و به او اعلان وفاداری نمودید، عهد خود را شکستید. زینب سلام الله علیها عبارت «فَلَقَدْ خَابَ السَّعْيُ، وَتَرَبَّتِ الْأَيْدِي، وَخَسِرَتِ الصَّفْقَةُ»^۵ (همان) را به ظاهر، در کنایه از ناکامی کوفیان و سران آن‌ها در دشمنی با سید الشهداء

۱. سرنگون و نگوئسار باشید.

۲. اندکی پایست و مهلت بده!

۳. و دور و نزدیک و شریف و پست، صورت‌های آنان را می‌بینند.

۴. ای فرزند آزادشدگان [مکه]! آیا این، عدالت است که کنیزان و زنان را در پرده می‌داری و دختران پیامبر خدا علیه السلام را به اسارت می‌کشی؟

۵. تلاشتان ناکام و دستانتان خالی ماند و بازی را باختید.

علیه السلام مطرح ساخته است که به اهداف دنیوی و وعده‌هایی که به آنان داده شده بود، هیچ‌گاه دست نیافتند.

هم‌چنین وجود آرایه‌هایی چون «جناس» و «سجع» در صورت‌های مختلف آن دو، نشان از آگاهی کامل زینب سلام‌الله‌علیها از این فنون ادبی و تسلط فراوان در بهره‌گیری از آن‌هاست. نمونه‌هایی از جناس تام در «وَلَمْ تَكُنْ قُلْتَ مَا قُلْتَ، وَفَعَلْتَ مَا فَعَلْتَ»^۱ (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۷۲-۷۳؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۸۳) و جناس ناقص اختلافی در «وِیَا أَهْلَ الْخَتْلِ وَالْخَذْلِ» (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۶؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۴۶) ظهور یافته است. هم‌چنین عبارت «فَلَا رَقَاتِ الْعَبْرَةَ، وَلَا هَدَاتِ الرَّتَّةَ» (همان) دارای سجع مرصع،^۲ جملات «وَتِلْكَ الْجِثُّ الطَّوَاهِرُ الزَّوَاكِي تَتَنَاهَبُهَا الْعَوَاسِلُ، وَتَعْفُوهَا أُمَّهَاتُ الْقَرَاعِلِ»^۳ (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۷۳؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۸۴) و در بردارنده‌ی سجع متوازی^۴ و عبارت‌های «بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَأَيْكُمْ شَرٌّ مَكَانًا وَ أَضَعْفُ جُنْدًا»^۵ (همان) حاوی سجع مطرف^۶ هستند.

بهری فراوان عقیده‌ی بنی‌هاشم از آیات الهی در جای‌جای خطبه‌هایش در کوفه و شام نیز بیان‌گر تسلط او بر سخنان پرودگزار و هنراو در به‌کارگیری آن‌ها در خلال خطبه‌هاست، به‌گونه‌ای که سخن او آیات قرآن به خوبی با یکدیگر آمیخته شده‌اند. ایشان همان‌گونه که در گذشته اشاره شد، گاهی به صورت مستقیم آیاتی چون آیات ۹۲ سوره‌ی نحل، ۸۹ و ۹۰ سوره‌ی مریم، ۱۶ سوره‌ی فصلت و ۱۴ سوره‌ی فجر را زینت بخش سخنان خود نموده و گاه به صورت غیرمستقیم، برای رساندن مقصود خویش، واژه‌هایی نزدیک به برخی آیات را به خدمت درآورده است. برای نمونه، فراز «فَابْكَوَا كَثِيرًا وَ اَضْحَكُوا قَلِيلًا»^۷ (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۶؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۴۷) برگرفته از آیه‌ی ۸۲

۱. تا آنچه را گفته‌ای، نمی‌گفتی و آنچه را کرده‌ای، نمی‌کردی.

۲. آهنگین و مسجع بودن در چند کلمه در وزن و حرف آخر هر یک از کلمات.

۳. و آن پیکرهای پاک و پاکیزه را گرگ‌ها دهان می‌زنند و بقیه‌اش را کفتارهای ماده می‌خورند.

۴. آهنگین و مسجع بودن در کلمات آخر در وزن و در حرف آخر.

۵. ستمکاران، چه بد جای‌گزینی برگرفته‌اند و کدام یک از شما جایگاهی بدتر و سپاهی ناتوان‌تر دارد.

۶. آهنگین و مسجع بودن فقط در حرف آخر.

۷. باید فراوان بگریید و کم بخندید.

سوره‌ی توبه یعنی «فَلْيُضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» بوده و عبارت «فَبِئْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ، وَفِي الْعَذَابِ أَنْتُمْ خَالِدُونَ»^۱ (همان) با الهام از آیه‌ی ۸۰ سوره‌ی مائده بیان شده است که خداوند متعال در آن می‌فرماید: «تَرَى كَثِيرًا مِنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَبِئْسَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُمْ أَنْفُسُهُمْ أَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي الْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ».

وجود همه‌ی این آرایه‌های فصاحتی و بلاغتی در خطبه‌هایی متفاوت (از نظر محتوایی، به مقتضای موقعیت و حال مخاطبان) در کوفه و شام که با استدلال، برهان و مسائل عاطفی درهم آمیخته شده است، موجب شد تا اثرگذاری آن‌ها در روح و ذهن مخاطب دوچندان گردیده و زمینه‌ی رسوایی بیشتر این زیاد، کوفیان، یزید و دستگاه اموی فراهم شود.

۷. بینش و آگاهی روزآمد سیاسی

از امور نشانگر علم زینبی، نگرش و بینش سیاسی عمیق حضرت نسبت به مسائل عصر و زمانه‌ی خویش است که این امر در سیره‌ی سیاسی و نیز خطبه‌های ایراد شده توسط ایشان در کوفه و شام به روشنی قابل مشاهده است. در ادامه، به نمونه‌هایی از این بینش و آگاهی سیاسی اشاره خواهد شد:

۷-۱- شناخت دقیق از جریان سیاسی حاکم

دیدگاه زینب کبری سلام‌الله‌علیها نسبت به دستگاه اموی، برخاسته از ایدئولوژی ایشان در باب حق و باطل بود و بر این مبنا، نه تنها آنان را غاصب خلافت الهی می‌شمرد، بلکه از تمام عمل‌کردهای فاسدانه و ظالمانه‌ی این دستگاه نیز آگاه بود. برای نمونه، حضرت در خطبه‌ی خود در شام، اندیشه‌ی یزید را بر پایه‌ی دروغ و سستی دانسته، او را قاتل فرزندان و هتک‌کننده‌ی حرم رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرزند آزادشدگانی که با کراهت اسلام آوردند و از حزب شیطان معرفی می‌کند. هم‌چنین به درستی یزید را ادامه‌دهنده‌ی راه گذشتگان‌ش یعنی ابوسفیان، معاویه، دیگر بنی‌امیه و در واقع جاهلیت

۱. چه بد چیزی برای خود، پیش فرستاده‌اید که موجب خشم خدا بر شما و عذاب همیشگی می‌شود!.

دانسته و او را تحقیر نموده، به بیان فسادها و ظلم‌های آنان در میان مردم می‌پردازد (بنگرید به: خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۷۱-۷۳؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۸۱-۱۸۶) تا چهره‌ی واقعی امویان را به همگان نشان داده و رسواشان گرداند.

۷-۲- بیان عزت و افتخار خاندان نبوت و یادآوری انتساب خویش به آن

نکته‌ی مهمی که درباره‌ی بینش سیاسی حضرت زینب سلام‌الله‌علیها باید از آن سخن گفت، اشارات متعدد ایشان به انتساب خود، برادر و اسرای کربلا به پیامبر خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله و بنیان‌گزار همان دینی است که مردم خود را بدان منتسب می‌کنند. ایشان وحی را از خاندان خود دانسته و حکومت اسلامی را حقی به غارت رفته از اهل بیت علیهم‌السلام شمرده است. برای نمونه، ظرافت سیاسی ایشان در ابتدای دو خطبه‌ی کوفه و شام و آغاز هر دو خطبه با ستایش خداوند، درود بر محمد و خاندان او و اشاره به این که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله پدر حضرت است (مفید، ۱۴۱۳ق (ب): ۳۲۲؛ خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۶ و ۷۱؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۴۶ و ۱۸۱)، بسیار هوشمندانه جلوه می‌کند.

در جایی دیگر، زینب کبری سلام‌الله‌علیها از برادر شهید خود با لقبش یعنی «آقای جوانان اهل بهشت» یاد کرده، شهیدان کربلا را «نجیب‌زادگان حزب خدا» و مصداق آیه‌ی شریفه‌ی «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يَرْزُقُونَ»^۱ (آل عمران/ ۱۶۹) معرفی می‌کند که همیشه زنده بوده و از نزد پروردگارشان روزی می‌گیرند.

هم‌چنین حضرت در بیان عزت خاندان نبوت، خود و خاندانش را بسیار بالاتر از آن می‌داند که با کسی چون یزید هم‌کلام شده، او را سرزنش کند و این امر را از گردش روزگار و روی دادن پیشامدها شمرده و به او می‌فرماید:

اگرچه پیشامدها مرا به سخن گفتن با تو واداشته است، اما من منزلتت را کوچک می‌بینم و سرزنش کردن تو را کسر شأن خود می‌دانم؛ اما چشم‌ها اشک بازند و

۱. (ای پیامبر!) هرگز گمان مبرکسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند! بلکه آنان زنده‌اند، و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند.

سینه‌ها سوزان (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۷۳؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۸۴؛
مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج ۴۵: ۱۶).

حضرت در ادامه به یزید خاطر نشان می‌کند که هیچ‌گاه نمی‌تواند یاد خاندان نبوی را
از خاطره‌ها محو کرده و وحی آن‌ها را بمیراند و تا ابد این ننگ از پیشانی او شسته نخواهد
شد.

۷-۳- تأثیر روشنگری‌های حضرت در نابودی دستگاه خلافت اموی

نقش بزرگ حضرت زینب سلام‌الله‌علیها در به‌ثمر نشان دادن قیام و شهادت امام حسین
علیه‌السلام و یارانش قابل انکار نیست. در واقع، ایشان بود که به همراه برادرزاده‌اش امام
زین العابدین علیه‌السلام پشت پرده‌ی اعمال فاسد و ظالمانه‌ی امویان و یزید را در
معرض دید همگان قرار داده، رسوایشان نمود و توانست اسلام جدش رسول اکرم
صلی‌الله‌علیه‌وآله را که با خون سیدالشهداء علیه‌السلام حیات دوباره یافته بود را جاودانه
سازد. بدیهی است، اگر اسارت زینب و بینش سیاسی عمیقی که نسبت به دستگاه جور
و ظلم داشت، نبود، اکنون اثری از بسیاری از شعائر اسلامی در جهان یافت نمی‌شد و باید
تنها در کتاب‌های تاریخی از آن‌ها سخن به میان می‌آمد. این که برخی گفته‌اند، اسلام با
پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله آغاز شد و با امام حسین علیه‌السلام ماندگار گردید (برای نمونه
بنگرید به: امینی، ۱۴۱۶ق، ج ۳: ۳۴۹)، سخن درستی است؛ اما بقای نهضت حسینی
در گرو نگاه ژرف‌نگر و اندیشه‌ی اعتقادی و سیاسی دقیق عقیده‌ی بنی‌هاشم و امام سجاد
علیهما‌السلام بود که در مقاطع مختلف، بلافاصله پس از شهادت امام حسین
علیه‌السلام و یارانش از کربلا آغاز، و تا کوفه و شام و سپس مدینه ادامه داشت و اجازه نداد
تا خون شهیدان طف به هدر برود. از همین روست که دکتر عائشه بنت الشاطی،
اندیشمند زن مصری درباره‌ی کار ارزشمند حضرت می‌گوید:

زینب سلام‌الله‌علیها لذت پیروزی را در کام ابن زیاد، یزید و بنی‌امیه نابود کرد و
قطره‌هایی از زهر کشنده را در پیمان‌های فاتحان [ظاهری] ریخت (بنت الشاطی،
۱۴۰۶ق: ۱۵۸).

پس از قیام عاشورا چندی بیشتر نگذشت که اثرات بیدارگری و روشن‌گری بازماندگان قافله‌ی حسینی در جنبش‌هایی چون قیام تواین به سال ۶۵ق و مختار ثقفی در سال ۶۶ق در مقابل فساد خاندان بنی‌امیه و به خون‌خواهی امام حسین علیه‌السلام و دیگر شهیدان عاشورایی پدیدار گردید. این‌گونه بیدارگری‌ها و ظهور چنین جنبش‌هایی در نابودی زودرس حکومت در میان خاندان ابوسفیان تأثیر به‌سزایی داشته و در اندک زمانی، تنها پس از سه سال، در سال ۶۴ق مرگ یزید فرارسید و حکومت به مروان و خاندانش انتقال یافت (بنگرید به: ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق، ج ۳: ۱۳۸۹)؛ چنان‌که عبدالملک بن مروان (۸۶ق) خود به این واقعیت اعتراف نموده و در نامه‌ای به حجاج بن یوسف (۹۵ق) نوشته است:

مرا از ریختن خون فرزندان عبدالمطلب دور بدار، که در آن‌ها راه نجاتی از جنگ نیست. من فرزندان حرب را دیدم که وقتی حسین بن علی [علیهماالسلام] را کشتند، پادشاهی را از دست دادند (ابن عبدربه، ۱۴۰۴ق، ج ۵: ۱۴۹؛ باعونی، ۱۴۱۵ق، ج ۲: ۲۷۸).

۸. بهره‌گیری از علم مخاطب‌شناسی و روان‌شناسی

زاویه‌ی علمی دیگری که باید از زینب کبری سلام‌الله‌علیها معرفی نمود، بهره‌ی گسترده‌ی ایشان از علم روان‌شناسی و مخاطب‌شناسی است. حضرت در موارد فراوانی این امر را نشان داده و شواهد تاریخی نیز مؤید آن هستند. بیشتر این موارد را باید در رخ‌دادهای اتفاق افتاده پس از فاجعه‌ی عاشورا جستجو کرد که زینب سلام‌الله‌علیها با مخاطب‌شناسی صحیح، تحریک جنبه‌های عاطفی مردم، ایراد خطبه‌های کوبنده و روشن‌گرانه و چگونگی بیان آن، برپایی مراسم‌های سوگواری و دستور به سیاه‌پوشی، نقش مهمی در به‌ثمر نشستن خون شهیدان کربلا ایفا نمود. برخی از این موارد عبارتند از:

۸-۱- برپایی مراسم‌های متعدد عزاداری و سیاه‌پوشی

یکی از ترفندهایی که عقیده‌ی بنی‌هاشم برای رسوایی دودمان اموی و نیز رساندن پیام

عاشورا به کار بست، برپایی مراسمات متعدد عزاداری پس از فاجعه‌ی کربلا بود. ایشان به همراه امام سجاد علیه السلام و دیگر اهل بیت در شام و در پایتخت حکومت اموی، اقدام به برگزاری مجلس عزا و نوحه‌گری در سوگ شهیدان طف نمود (ابن نما، ۱۴۰۶ق: ۱۰۲) که پیامدش در ادامه آن بود که چنان عرصه بریزید تنگ گردید که به زنان خاندان ابوسفیان هم فرمان داد که در منزل خودش، همراه با بانوان اهل بیت علیهم السلام به مدت سه تا هفت روز به سوگ نشسته و نوحه سرایی کنند (بنگرید به: ابن سعد، ۱۴۱۴ق، ج ۱: ۴۸۹؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۴۶۲؛ ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۵: ۳۴۴). به یقین، برپایی این مجالس، آن هم در مرکز حکومت، می‌توانست تأثیر فراوانی در اثبات مظلومیت و حقانیت امام حسین علیه السلام و یارانش و نیز رساندن پیام‌های قیام و اهداف آن به مردم داشته باشد. از این رو، این تأثیر بر مردم شام تا اندازه‌ای بود که یزید بیش از آن نتوانست رسوایی خود و امویان را نظاره‌گر باشد؛ وی تقصیر را به دوش ابن زیاد انداخته و از روی مصلحت اظهار پشیمانی کرد (طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۵۰۶؛ ابن عساکر، ۱۴۱۹ق، ج ۱: ۹۴)؛ هم‌چنین دستور داد تا اسیران اهل بیت علیهم السلام را با بیش از سی سواره موطن ایشان در مدینه بازگردانند (دینوری، ۱۳۶۸ش: ۲۶۱؛ طبری، ۱۳۸۷ق، ج ۵: ۴۶۲؛ ابن العدیم، [بی‌تا]، ج ۶: ۲۶۳۲).

مورد دیگر، اقامه‌ی عزا بر مزار شهیدان کربلا در مسیر بازگشت از شام است که سید بن طاووس (۶۶۴ق) آن را ماتی جان سوز توصیف کرده است؛ برپایی سوگی که زنان آن دیار را هم به سوی خود کشانده و چند روزی^۱ را به همین منوال گذرانده‌اند (ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۹۶؛ مجلسی، ج ۴۵: ۱۴۶). مشاهده می‌شود که برپایی عزا برای امام حسین علیه السلام و یارانش در کربلا نیز تأثیر خود را گذاشته و زنان قبائل اطراف را به کنار اهل بیت کشانده و آنها را در نوحه سرایی برای شهدا با زینبیون همراه می‌سازد. هم‌چنین حضرت زینب سلام الله علیها دستور می‌دهد تا محمل‌های اهل بیت را سیاه‌پوش نمایند و دلیل آن را آگاه نمودن مردم از کشتن فرزندان حضرت زهرا سلام الله علیها بیان می‌کند (الجزائری،

۱. قندوزی حنفی (۱۲۹۴ق) مدت برپایی این عزاداری را سه روز می‌داند (قندوزی حنفی، ۱۴۲۲ق، ج ۳: ۹۲).

۱۴۲۵ق: ۱۹۲). در تأیید مطلب اخیر، در روایتی آمده است که پس از شهادت امام حسین علیه السلام، زنان بنی هاشم لباس هایی به رنگ سیاه و پشمین بر تن نموده و در سرما و گرما بر این حال بودند (البرقی، ۱۳۷۱ق، ج ۲: ۴۲۰).

۸-۲- تحریک عواطف

از دیگر نمودهای علم روانشناختی و مخاطب شناسی عقیده ی بنی هاشم سلام الله علیها، بهره گیری مناسب از تحریک عواطف مخاطبان توسط ایشان است که دوست و دشمن، و حتی کسانی چون عمر بن سعد را نیز در صحنه ی عاشورا تحت تأثیر قرار داده و به گریه انداخته است (بنگرید به: نویری، ۱۴۲۳ق، ج ۲۰: ۴۵۹؛ ابن نما، ۱۴۰۶: ۸۴). برای نمونه، حضرت با بیان عباراتی جان سوز در پیوند فاجعه ی کربلا با رسول خدا صلی الله علیه وآله، خطاب به کوفیان می فرماید:

وَيَلْكُم، أَتَدْرُونَ أَيَّ كَيْدٍ لِمُحَمَّدٍ فَرَيْتُمْ؟ وَأَيَّ دَمٍ لَهُ سَفَكْتُمْ؟ وَأَيَّ كَرِيمَةٍ لَهُ أَصَبْتُمْ؟ «لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِذَا تَكَادُ السَّمَاوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ الْجِبَالُ هَدًّا»، وَلَقَدْ أَتَيْتُمْ بِهَا خَرَقَاءَ شَوْهَاءَ، طَلَاعَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۱۲۱؛ مفید، ۱۴۱۳ق (ب): ۳۲۳؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۹۲-۹۳).

هم چنین یکی از علل برپایی مراسم های عزاداری و سوگواری بعد از شهادت شهدای کربلا نیز استفاده از عواطف و احساسات انسانی مردم بود تا حضرت به گونه ای شایسته تر بتواند رسالت خود در رساندن پیام عاشورا به همگان انجام دهد و موجب ماندگاری همیشگی آن گردد.

۸-۳- بیداری مردم کوفه و شام نسبت به اهل بیت پیامبر بودن اسیران

زینب کبری سلام الله علیها در موارد و موقعیت های متعددی یادآور این امر می شود که اسیران کربلا، فرزندان رسول خدا صلی الله علیه وآله بوده و این ها همان اهل بیت پیامبرند که اکنون در بند دنیای خاندان اموی گرفتار شده اند (بنگرید به: مفید، ۱۴۱۳ق (ب): ۳۲۲؛ طوسی، ۱۴۱۴ق: ۹۲؛ خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۶ و ۷۲). حضرت با ایراد خطبه های روشنگر در کوفه و شام و اظهار این انتساب که بیان آن گذشت، تلنگری روانی



به کوفیان و شامیان به ظاهر مسلمان زدند تا آنان بتوانند واقعیت را دریافته و متوجه باشند که این اسیران، همان خاندان پیامبرشان هستند، نه از دین خارج شدگانی که دستگاه بنی امیه معرفی می کردند (مفید، ۱۴۱۳ق (الف)، ج ۲: ۱۲۱).

۸-۴- تحقیر دشمنان به ویژه یزید

آخرین نکته نیز آن است که زینب سلام الله علیها در نهایت شجاعت، دشمنان و قاتلان برادر و یارانش را با استفاده از القابی چون «فرزندان آزادشدگان» و «حزب شیطان» نسبت به یزید (خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۷۲ و ۷۳؛ ابن طاووس، ۱۳۴۸ش: ۱۸۲ و ۱۸۴) و خطاب نمودن ابن زیاد به نام مادر بدکاره اش مرجانه (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۱۲۲؛ خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۷)، زبون ساخته و آنان را در برابر همگان رسوا کرد؛ زیرا کسی یارای آن را نداشت که این گونه با آن ها سخن بگوید و در واقع، حضرت با این رفتار خود هیمنه ی این خاندان و کارگزارانشان را در میان مردم و نیز خودشان درهم شکست. هم چنین زمانی که ابن زیاد می خواست با سخنان خود داغ اسیران اهل بیت را تازه کند، بانوی دلیر هاشمیان شهادت برادر و یاران باوفایش و تمام وقایع روی داده را چیزی جز زیبایی ندانسته و فرمود: به جز زیبایی، چیزی ندیدم (ابن اعثم، ۱۴۱۱ق، ج ۵: ۱۲۲؛ خوارزمی، ۱۴۲۳ق، ج ۲: ۴۷؛ ابن نما، ۱۴۰۶ق: ۹۰). این سخن حضرت در نوع خود، بالاترین تحقیر برای دست نشانده ی یزید و عاملان او به حساب می آمد.

نتیجه گیری

با عنایت به سطور پیشین می توان دریافت که ابعاد گوناگون علم خدادادی حضرت زینب سلام الله علیها در ابعاد متفاوتی به سان اندیشه ورزی و بهره گیری از عقل، آگاهی از معارف قرآن، روایت حدیث، تفقه در دین، فصاحت و بلاغت در گفتار، بینش و آگاهی روزآمد سیاسی و مخاطب شناسی دشمنان و مردم در رخداد های عاشورا و بعد از آن در اموری چون استفاده از آیات متعدد قرآن در سخنان، ایراد خطبه های روشنگرانه در نهایت فصاحت و بلاغت در کوفه و شام، بیان انتساب به رسول خدا صلی الله علیه و آله،

تحریک عواطف مردم و بیداری آن‌ها در قبال جنایات خاندان اموی و نیز برپایی مراسم‌های عزاداری برای شهیدان کربلا ظهور و بروز یافته است. بنابراین، می‌توان برجستگی‌های علمی زینب کبری سلام‌الله‌علیها و بهره‌گیری از آن‌ها را به عنوان یکی از مؤلفه‌های اثرگذار در پیروزی نهضت حسینی علیه‌السلام و رساندن پیام آن به جهانیان قلمداد نمود.



فهرست منابع

- قرآن کریم (۱۳۷۳ش)، ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، چاپ دوم، قم: دارالقرآن الکریم.
- ابن ابی حاتم (۱۴۱۹ق)، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: اسعد الطیب، چاپ سوم، عربستان: مکتبه مصطفی نزار الباز.
- ابن اثیر، مبارک بن محمد (۱۳۶۷ش)، النهایة فی غریب الحدیث والأثر، تحقیق: محمود طناحی / طاهر زاوی، چاپ چهارم، قم: اسماعیلیان.
- ابن اعثم کوفی، احمد (۱۴۱۱ق)، الفتوح، چاپ اول، بیروت: دار الأضواء.
- ابن الأثیر الجزری، علی بن ابی الکریم (۱۴۰۹ق)، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دارالفکر.
- ابن الأثیر الجزری، علی بن ابی الکریم (۱۳۸۵ق)، الکامل فی التاریخ، بیروت: دارصادر/ داربیروت.
- ابن الجوزی، ابوالفرج عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق)، المنتظم، تحقیق: محمد عبدالقادر عطا/ مصطفی عبدالقادر عطا، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن العدیم، عمر (بی تا)، بغیة الطلب فی تاریخ حلب، تحقیق: سهیل زکار، بیروت: دارالفکر.
- ابن حجر العسقلانی، احمد بن علی (۱۴۱۵ق)، الإصابة فی تمییز الصحابة، تحقیق: عادل عبدال موجود/ علی معوض، چاپ اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- ابن حمدون، محمد بن حسن (۱۴۱۷ق)، التذکرة الحمدونیة، چاپ اول، بیروت: دارصادر.
- ابن سعد بصری، محمد (۱۴۱۴ق)، الطبقات الکبری (الطبقة الخامسة من الصحابة)، تحقیق: محمد السلمی، چاپ اول، طائف: مکتبه الصدیق.
- ابن طاووس، علی بن موسی (۱۳۴۸ش)، اللهوف، تهران: جهان.
- ابن طیفور، احمد بن ابی طاهر (بی تا)، بلاغات النساء، قم: شریف رضی.
- ابن عبدربه اندلسی، احمد بن محمد (۱۴۰۴ق)، العقد الفرید، چاپ اول، بیروت:

- دارالكتب العلميه.
- ابن عبدالبر، يوسف بن عبدالله (١٤١٢ق)، الإستيعاب فى معرفة الأصحاب، تحقيق: على البجاوى، چاپ اول، بيروت: دارالجيل.
- ابن عساكر، على (١٤١٩ق)، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: على شيرى، چاپ اول، بيروت: دارالفكر.
- ابن فارس، احمد (١٤٠٤ق)، معجم مقاييس اللغة، تحقيق: عبدالسلام هارون، چاپ اول، قم: مكتب الإعلام الإسلامى.
- ابن قولويه، جعفر بن محمد (١٣٥٦ش)، كامل الزيارات، تحقيق: عبدالحسين امينى، چاپ اول، نجف: دارالمرتضويه.
- ابن نما حلى، جعفر بن محمد (١٤٠٦ق)، مشير الأحرار، چاپ سوم، قم: مدرسه امام مهدى (عج).
- ازهرى، محمد بن احمد (١٤٢١ق)، تهذيب اللغة، چاپ اول، بيروت: داراحياء التراث العربى.
- الأصفهاني، ابوالفرج على (بى تا)، مقاتل الطالبين، تحقيق: سيد احمد صقر، بيروت: دارالمعرفة.
- امين، سيد محسن (١٤٠٦ق)، أعيان الشيعة، بيروت: دارالتعارف للمطبوعات.
- امينى، عبدالحسين (١٤١٦ق)، الغدير، چاپ اول، قم: مركز الغدير.
- باعونى شافعى، محمد بن احمد (١٤١٥ق)، جواهر المطالب فى مناقب على بن ابى طالب عليهما السلام، چاپ اول، قم: مجمع إحياء الثقافه الإسلاميه.
- البرقى، احمد بن محمد (١٣٧١ق)، المحاسن، قم: دارالكتب الإسلاميه.
- بنت الشاطى، عايشه (١٤٠٦ق)، السيده زينب عقيلة بنى هاشم، بيروت: دارالكتاب العربى.
- بيضون، لبيب (١٤٢٧ق)، موسوعة كربلاء، چاپ اول، بيروت: مؤسسه الأعلمى.
- الجزائرى، السيد نورالدين (١٤٢٥ق)، الخصائص الزينبيه، چاپ اول، قم: مكتبه الحيدريه.

- حسینی شیرازی، سید محمد (۱۴۲۸ق)، من فقه الزهراء علیها السلام، چاپ اول، قم: رشید.
- خزاز قمی، علی (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر، تحقیق: عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم: بیدار.
- خوارزمی، موفق بن احمد (۱۴۲۳ق)، مقتل الحسین علیه السلام، چاپ دوم، قم: انوار الهدی.
- دینوری، ابوحنیفه احمد (۱۳۶۸ش)، الأخبار الطوال، تحقیق: عبدالمنعم عامر، قم: الرضی.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، چاپ اول، بیروت: دارالقلم.
- الزرقانی، محمد (۱۴۱۱ق)، شرح الزرقانی علی موطأ الإمام مالک، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- سراج، النبوی جبر (بی تا)، السیدة زینب رضی الله عنها فی قلوب المحبین، [قاهره]: المكتبة التوفیقیه.
- سیوطی، جلال الدین (۱۴۰۴ق)، الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی.
- صاحب، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۴ق)، المحيط فی اللغة، تحقیق: محمد حسن آل یاسین، چاپ اول، بیروت: عالم الکتب.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۶۲ش)، الخصال، چاپ اول، قم: جامعه مدرسین.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تحقیق: علی اکبر غفاری، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
- صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: جامعه مدرسین.
- طباطبایی، سید محمد علی (۱۳۹۰ش) تجلی قرآن در کلام حضرت زینب، قم: نشر ادیان.

- طبرسی، فضل بن حسن (بی تا)، *إعلام الوری*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- طبرسی، احمد بن علی (۱۴۰۳ق)، *الإحتجاج علی أهل اللجاج*، چاپ اول، مشهد: مرتضی.
- طبری، محمد بن جریر (۱۳۸۷ق)، *تاریخ الأمم والملوک*، تحقیق: محمد ابراهیم، چاپ دوم، بیروت: دار التراث.
- طبری، محمد بن جریر (۱۴۱۳ق)، *دلایل الإمامة*، چاپ اول، قم: بعثت.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ق)، *الأمالی*، چاپ اول، قم: دار الثقافة.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۱ق)، *الغیبة*، تحقیق: عبداللّه تهرانی / علی احمد ناصح، چاپ اول، قم: دارالمعارف الإسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، *تهذیب الأحکام*، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دارالکتب الإسلامیه.
- عاملی، محمد بن حسن (حرّ) (۱۴۰۹ق)، *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق)، *کتاب العین*، چاپ دوم، قم: هجرت.
- قاسم، حسن محمد (۱۹۳۴م)، *تاریخ و مناقب و مآثر الست الطاهرة البتول السیده زینب*، چاپ دوم، مصر: مطبعه المحمودیه.
- القزوینی، السید محمد کاظم (۱۴۲۰ق) *زینب الكبرى علیها السلام من المهد الی اللحد*، قم: [بی نا].
- قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۲۲ق)، *ینابیع المودة*، چاپ دوم، قم: اسوه.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۲ش)، *الکافی*، چاپ دوم، تهران: اسلامیه.
- مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۴ق)، *بحار الأنوار*، بیروت: مؤسسه الوفاء.
- محمدی ری شهری، محمد (۱۳۸۸ش)، *دانشنامه امام حسین علیه السلام*، چاپ اول، قم: دارالحدیث.
- المراغی، احمد مصطفی (۱۴۱۴ق)، *علوم البلاغة البیان والمعانی والبديع*، چاپ سوم، بیروت: دارالکتب العلمیه.

- المسعودی، علی (۱۴۲۶ق)، اثبات الوصیة للإمام علی بن ابی طالب، چاپ سوم، قم: انصاریان.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۵ق)، فلسفه اخلاق، تهران، انتشارات صدرا.
- مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵ش)، اصول الفقه، چاپ پنجم، قم: اسماعیلیان.
- مفید، محمد بن نعمان (الف) (۱۴۱۳ق)، الإرشاد، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- مفید، محمد بن نعمان (ب) (۱۴۱۳ق)، الأمالی، قم: کنگره جهانی شیخ مفید.
- مقرر، عبدالرزاق (۱۴۲۶ق)، مقتل الحسین للمقرر، بیروت: مؤسسه الخرسان.
- نجفی، محمد حسن (بی تا)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، تحقیق و تصحیح: عباس القوچانی، چاپ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- النقدي، جعفر (۱۳۶۲ش)، زینب الكبرى، چاپ دوم، قم: الرضی.
- نویری، شهاب الدین (۱۴۲۳ق)، نهاية الأرب فی فنون الأدب، قاهره: دارالکتب والوثائق القومیة.

